

یافتنی شناسی

بقلم ح . سرداد ور (طالب زاده)

در اطراف نامهای شهرها و دیه های ایران

علم زبان شناسی کنونی از دیر زمانی دارای اصول وقواعد معینی است که علمای غرب تا این اواخر خروج از دایره آنها را جائز نمی دانستند و هر کس که در میدان زبان شناسی قدم می گذاشت مکلف بود اصول مزبور را رعایت کرده و تحقیقات و تتبعات خود را در این رشته باقواعدی که مسلم و غیر قابل استیناف شناخته شده بود تطبیق بدهد. بدیهی است که هیچ علمی را در دنیا نمیتوان محدود ساخت و حد کمالی بر آن قائل شد بخصوص علم زبان شناسی که هر قدر کشفیات تاریخی و نژاد شناسی بیشتر میشود دامنه زبان شناسی هم بیش از پیش توسعه میابد در سنوات اخیر بعضی از علمای زبان شناسی و منجمله برخی از زبان شناسان روس دایره علم بسیط زبان شناسی را محدود دیده و قدم فراتر نهاده مکتب جدیدی بنام « یافتنی شناسی » تشکیل دادند معروفترین معلم مکتب یافتنی شناسی در روسیه پروفیسور نیکلامار عضو اکادمی علوم روس است که از محققین طراز اول و مدافعین جدی یافتنی شناسان بشمار می آید. عالم معزی الیه اصرار و همت شگفت آور می دارد تا در ترویج عقاید خود دارد و حتی موفق شده که در لنینگراد انستیتوی مخصوصی برای تحقیقات در السنه موسوم به « یافتنی » تشکیل بدهد و تا کنون چندین کتاب و مجموعه و غیره منتشر ساخته و آنچه در قوه داشته در بیان اصول یافتنی شناسی و اثبات مدعای خود فروگذار نکرده است.

ناگفته نماند که امروزه عده یافتنی شناسان بسیار اندک است و اکثریت

هنگفت زبان شناسان در ورود باین مکتب تأمل دارند وحتی جمعی از آنان نهایت اهتمام را برای رد عقائد یافتی شناسان بکار میبرند چنانکه خود پروفیسور نیکلامار در مقدمه جلد اول مجموعه یافتی بدین نکته اشاره کرده مینویسد « ما که در این دریای پهناور قدم میگذاریم مدعی تعیین لنگر گاهی در ساحل دیگر نیستیم و سعی هم نداریم بساحل دیگر برسیم چه » آن ساحل برای راحتی است و حال آنکه تقدیر چنین بوده که از راحتی سهمی بما نرسیده تا در میان چهار دیوار رسوم و آداب موروثی بکار های علمی پردازیم در نتیجه مدرکی که از قفقاز شناسی بدست آورده ایم مدتهاست تک و تنها بدریای طوفانی افتاده ایم دریائی که از انسان خالی ولی پر از ثمر است کشتی ما از حیث تجهیزات غنی نیست عده عملجات این کشتی بسی معدود است ولی میدان عملیات ما بسیار پهناور و ثروتی که برای استخراج آن کمر بسته ایم بیحد و بیقیاس است . . . »

یافتی شناسان عقیده دارند که درازمنه قدیم اقوامی در این دنیا بوده اند که بمرور دهوریا بکلی از بین رفته و یا با اقوام دیگر مخلوط شده اند ولی یادگاری که از آنها بجا مانده کلماتی است که در زبانهای اری و سامی و غیره داخل شده بنا بر این در میان نامهای اری و سامی و لغات ملل زنده معاصر نامها و کلمات فراوانی است که ریشه آنها از زبانهای دیگر است از این رو اقوام مزبور را یافتی خوانده و تحقیقات در این رشته را یافتی شناسی نامیده اند بزعم یافتی شناسان عناصر یافتی مخصوصاً در بین اقوام متنوعه ساکن قفقاز و هکذا مملکت اسپانی و غیره بسیار فراوان است . و کلیتاً آثار یافتی در اغلب السنه کنونی دیده میشود خوب بخاطر دارم که یکی از طرفداران یافتی شناسی مدعی بود که حیم بشکلی که در اصفهان تلفظ میشود از آثار یافتی است زیرا در سائر نقاط فارسی زبان ایران هرگز حیم را باین نحو تلفظ نمکنند .

بعقیده پروفیسور نیکلامارکامه سکیث " ساک یاسک که سجستان و سیستان ما از آن مشتق است از نامهای یاقتی میباشد عالم مومی الیه در یکی از مقالاتش راجع باین موضوع مینویسد در سال ۱۸۵۴ دکتر لانام در ضمن خطابه که در جمعیت آسیائی لندن ایراد کرد عقیده داشت که " امروزه ترك بودن قوم هون و سکولوت "سکیث" محتاج بدلائل خاصی نمیشد" شاید در عصر کنونی علمائی که در مسئله سکیثها علاقمند هستند متفق القول باشند که امروزه ایرانی بودن سکیثها محتاج بدلائل خاصی نمیشد ولی ما نمیگوئیم که امروز یاقتی بودن سکیثها محتاج بدلائل خاصی نمیشد ولی مدارکی که از یاقتی شناسی بدست آمده نام قوم سکیثها را توضیح میکنند و یاقتیها و قبل از همه یاقتیهای قفقاز ارتباطهای بیشتری با سکیثها دارند .

راجع بمأخذ نام ارارات وارس که اولی کوه و دومی رود معروف است عقیده زبان شناسان هند و اروپ این است که این اسامی را اریها گذاشته اند چه در قدیم در همین خطه مملکتی بوده بنام اورارتو که در آثار میخی ازمنه بعد اوراستو خوانده شده و ظاهراً اوراستو بعدها تحریف شده آراست یا اراست شده و این نامی است که مهاجرین کابری ابوطولنج جدید خود داده و آنرا اریا - ستا نامیده اند که بمعنی قرارگاه اریها میباشد نام رود بزرگ ارس یا ارس و ارخس هم نامی است که اریها روی آن گذاشته و آنرا اریا - کشا یعنی حافظ اریها نامیده اند در ایران و آسیای صغیر و یونان و غیره هم رودهایی باین نام دیده میشود .

یاقتی شناسان دلائل زبان شناسان هند و اروپ را رد کرده و میگویند که هیچگونه تحریفی روی نداده و تمام اشکال مختلف این نامها در حقیقت امر عبارت از یک نامی است که مدتها قبل از ورود اریها بخطه ارارات و ارس وجود

داشته بنا براین نامهای ارارات وارس از نامهای یاقنی میباشند نه آری .
نگارنده هیچگونه صلاحیتی برای اظهار نظر در رد و یا اثبات عقائد
مختلف فوق ندارد و مقصود فقط این است که تقریظ و انتقادی که يك نفر از
یاقنی شناسان راجع بتألیف دوست معظم و فاضل ما آقای سیداحمد خان کسروی
نوشته و رساله «نامهای شهرها و دیه های ایران» را از نظر یاقنی شناسی انتقاد
کرده تا يك درجه روشن بشود و ذهن خوانندگان حاضر گردد .

سال گذشته شاید برای اولین دفعه در ایران رساله در رشته زبان شناسی
بقلم آقای کسروی منتشر گردیده که مؤلف محترم آن بانهور و جرئتی که مبتنی
بردلائل قوی بود از دائره قواعد زبان شناسی کنونی خارج شده و مطالب بدیع
و نکات جدیدی ذکر کرده اند که تا کنون سابقه نداشته و بهمین جهت ما منتظر
بودیم که از انعکاس نظریات بکرایشان در محافل صلاحیت دار خارج آگاه بشویم .
کلیتاً از میان تألیفات که در سالهای اخیر در داخل مملکت ایران از
زیر قلم نویسندگان ملی ایران بیرون آمده شاید تألیفات آقای کسروی بیش از
همه مورد توجه مستشرقین خارجیه واقع گردیده و قابل ترجمه و تقریظ و انتقاد
شناخته شده است :

نگارنده با اطلاع بعلاقه که از طرف مستشرقین روس نسبت بتألیفات فضلی
ایرانی ابراز میشود رساله « نامهای شهرها و دیه های ایرانی » را بروسیه فرستاده
و با کمال اشتیاق منتظر بودم که مستشرقین روس این رشته جدید از تألیفات
آقای کسروی را چگونه تلقی خواهند کرد تا اینکه درچندی قبل مقاله بقلم مسیو
یکوسکی یاقنی شناس روس واصل گردید که متضمن پاره نکات دلکش و مطالب
جالب توجهی است خاصه بدین سبب که از قرار معلوم قواعد جدیدی که
آقای کسروی مبتکراً در این رساله بکار برده اند در يك قسمت پا اصولی که معمول

یافتی شناسان است موافق درآمده و حال آنکه هر يك از طرفین در تحقیقات خود مستقل و مبتکر بوده و از طرفی تبع دیگری آگاهی نداشته .
 میسویکوسکی وسعت نظر آقای کسروی را که سعی دارد از تحت نفوذ زبان شناسی هند و اروپ خارج بشود تقدیر کرده و قسمتی از نکاتی را که آقای کسروی مبتکراً طرح کرده تصدیق نموده از طرف دیگر پاره تحقیقات آقای کسروی را قرین اشتباه داشته و برای احتراز از این اشتباهات در آتیه بمعظمه توصیه میکند که از صف زبان شناسان هند و اروپ خارج شده و بار دوی یافتی شناسان ملحق گردد .

میسویکوسکی در مقدمه مقاله انتقادیه خود مینویسد که زبان شناسی کنونی اروپای غربی که در دوره بسط قهوزاروپا در ماوراء قاره اروپا وجود آمده علاوه بر سائر نواقص خود همیشه این قص را داشته که بتحقیق السنه ملل غیر اروپائی عموماً و آنهائیکه در جزو " ملل معظمه " نبودند بخصوص چندان توجوی نداشته و حال آنکه تئوری یافتی السنه ملل کوچک را هم چنانکه شاید و باید موضوع تحقیقات قرار داده است .

از مقدمه فوق میسویکوسکی همچو نتیجه میگیرد که بجهات سابق الذکر علمای یافتی شناس و محققین ملل مزبور منافع علمی مشترکی دارند و از اینرو معلوم میشود که سبب علاقه مندی ملل فوق به تئوری یافتی از چه راهست این اشتراك منافع علمی و توافق عقیده در اصول علمی مخصوصاً در مواردی شایان توجه است که محققین ملی اصلاً با تئوری یافتی آشنائی ندارند و اتفاقاً همین معنی در مورد تألیف آقای سید احمد خان کسروی مصداق پیدا کرده است .

بعد مینویسد : آقای کسروی تبریزی بطوریکه از تألیف اخیر معزی الیه

معلوم میشود از همان مکتب زبان‌شناسی هند و اروپا بیرون آمده‌اند مؤلف مشارالیه در بعضی موارد به تحقیقات علمای هند و اروپا اتکا کرده و گاهی با آنها داخل در مباحثه میشود ولی اساساً از اصول علمای هند و اروپا استفاده میکند با اینحال هوش و ذکاوت آقای کسروی در تحقیقات علمی، دانستن السنه محلی و تأسف عمیقی که مومی‌الیه از بی‌اعتنائی بامر زبان‌شناسی در ایران دارد این همه موجب شده که مؤلف مشارالیه از تحت نفوذ مکتبی که وی خود از شاگردان آن است خارج بشود و چیز تازه و بدیعی در رشته تحقیقات بوجود آورد که تا یک درجه قرابتی بین ایشان و یافتنی‌شناسان ایجاد کرده و شایان کمال توجه است مخصوصاً مقاله اول آقای کسروی راجع به اسامی جغرافیائی شمیران و طهران، بیش از همه جلب توجه میکند در این مقاله آقای کسروی میگوید که شمیران، سمیران، شمیلان، سمیرم، شمیرم از یک طرف و کهران و گهران، تهران، چهارم، تارم از طرف دیگر معانی مشترکی دارند و برای قسمت اول معنی سر زمین سرد و دزسر و شهر سرد و غیره و برای قسمت دوم سر زمین و دز و شهر گرم قائل میشود ضمناً مادران و مارالان را تجزیه کرده و جایگاه یا شهر مادها معنی میکنند.

آقای کسروی در تحقیقات خود به قاعده تبدیل میم به نون سین به شین را به لام و کاف به کاف و جیم با افتادن الف و الف به و او استناد میجوید و چون در این قسمت قواعد معمولی زبان‌شناسی هند و اروپا را پیروی میکند مسلماً دچار اشتباه شده و شمیران و اشکال مختلف آنرا در ردیف سمیرم و کهران و غیره را در ردیف تارم و چهارم قرار میدهد و حال آنکه در حقیقت امر شمیران از اجزا A.B.C و سمیرم از A.B.B کهران از A.B.C و چهارم از A.B.B ترکیب شده.

نکته که جلب توجه میکند این است که آقای کسروی به تبدیل کاف به تا و دال و گاف به دال و جیم اشاره میکند و این قاعده ایست که معروف و معمول

یافتی شناسان است در این قسمت است که آقای کسروی با یافتی شناسان موافقت کرده و با زبان شناسی هند و اروپ مخالفت میورزد.

دلگشتر از همه بقیه مقاله آقای کسروی است که در ضمن آن مؤلف سعی میکند برای کلماتی که تجزیه کرده معانی پیدا کند و در این قسمت طریقه پالئوتولوژی را پیش میگیرد که از مهمترین رشته های تحقیقات پروفورمار است و اینکه شمی را سرد و خنک و زمستان معنی میکند عین صواب و راست میگوید که « نامهای یونانی و لاتینی و ارمنی و روسی یقین است که بهمین معنی میباشد و هرگز توان باور کرد که این همه نامها برای زمستان از زبانهای گوناگون اتفاقی باشد و مناسبت معنی در کار نباشد ».

آقای کسروی جلوتر رفته و سعی میکند که دلائلی برای صحت عقائد خود پیدا کند و در ضمن تحقیق معنی شمیران و گهران و سایر کلمات متشابه يك سلسله نکات جالب توجه تاریخی و جغرافیائی ذکر میکند که برای پیدا کردن معانی کمک می کنند در این قسمت آقای کسروی یکی از طرق تجزیه سماتیک را بکار میبرد و آن عبارت از این است که مدارک تاریخی و مدنی را مصدق صحت معنی قرار می دهند و این خود طریقه ایست که بالتامام متعلق بمکتب یافتی شناسی می باشد.

هر گاه آقای کسروی با اصول یافتی شناسی آشنا میشد نه تنها میتواند از بعضی اشتباهاتی که ناچار در کار پیش می آید احتراز جوید بلکه موفق میشد که در تحقیق نامهای برگزیده جلوتر برود و نیز اگر تجزیه این نامها را از روی اصول یافتی شناسی بعمل می آورد میتواند تشخیص بدهد که شمیران و سمیران و شمیلان و گهران و گهران و جهرم در اصل اشکال مختلف يك نام هستند که از سه جزء A, B, C ترکیب یافته است. و اگر طریقه پالئوتولوژی را چنانکه لازمه

آن است تکمیل میکرد بدین نکته پی میبرد که در دوره معین تاریخ تکامل هر جامعه عموماً وحدت معنی بین «کرم» و «سرد» موجود بوده مثلاً اگر Buuo بروسی و Dmir بارمنی و فیمون یونانی و غیره که مرکب از دو جز A.B هستند معنی زمستان دارند Tom-mer باآلمانی و غیره معنی تابستان دارد و این هم ابداً اتفاقی نیست .

اما در قسمت مقاله تالشان و کادوسیان مسیویکوسکی از انتقاد مفصل خود داری کرده و همین قدر میگوید که با عقیده آقای کسروی راجع باینکه تالش ها کادوس ها در واقع هر دو یکی است موافقت نمیکند و مینویسد که در این مقاله آقای کسروی بیش از همه طریقه تطبیق رسمی را بکار بسته اند و کلیتاً بعقیده مسیویکوسکی مقاله مزبور بمراتب ضعیفتر از مقالات دیگر آقای کسروی است مسیویکوسکی در خاتمه مینویسد ، مقاله اول آقای کسروی با وجود اشتباهاتی که من باب مثل به بعضی از آنها اشاره شد مسلماً شایان کمال توجه است بخصوص از این لحاظ که آقای کسروی سعی میکند اصول جدیدی بکار برد که ایشان را به یاقتی شناسان نزدیک میکند . آتیه معلوم خواهد داشت که آیا عالم ملی ایران که بلا شك دارای قریحه و ذکاوت است موفق خواهد شد باقطع از افق کوچک زبان شناسی هند و اروپا خارج شده کاملاً در صف یاقتی شناسان قرار گیرد یا نه در هر حال زبان شناسی هند و اروپا منتقد جدی مثل آقای کسروی پیدا کرده که حاضر است از انتقاد گذشته و در مقام مخالفت هم برآید یاقتی شناسان حاضر هستند در این راهی که عالم صاحب قریحه ایرانی وارد شده از مساعدت علمی در حق ایشان دریغ ندارند .

